

■ سال بیست و یکم ■ شماره ۷۵۰

■ دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ ■ ۱۰ شوال ۱۴۴۴ ■ ۱ مه ۲۰۲۳

● **پیشگام در تقربیب بین المذاهب**

در سال ۱۳۲۷ شمسی مرکز «دارالتقربیب بین‌المذاهب الاسلامیه» به‌ابتکار و همت اندیشمند توانا مرحوم شیخ محمدتقی قمی و با همیاری علمای سرشناس دانشگاه الازهر و برخی روحانیون شیعی تأسیس گردید. آیت‌الله‌العظمی بروجردی^{رحمه الله} اگرچه جزء مؤسسين آن نبود؛ اما از ابتدای فعالیت این مرکز، به حمایت جدی از آن برخاست و حتی از کمک مالی به آن دریغ نورزید. به‌علاوه، با ارتباط مکاتبه‌ای با شیخ وقت الازهر، عبداللهمجید سلیم و بعد از وی با شیخ محمود شلنتوت، رابطه جهان‌تنشع را با دنیای اسلام هرچه مستحکم‌تر ساخت و بسیاری از سوءتفاهمات و بدبینی‌ها را به دوستی و محبت تبدیل کرد. در اثر این درایت، حسن تدبیر و این طرز تفکر آیت‌الله بروجردی^{رحمه الله}، کار به جایی رسید که شیخ الازهر مصر محمود شلنتوت آن فتوای تاریخی خود را صادر کرد و برای اولین‌بار یک عالم سنی به‌طور رسمی مذهب شیعه را به رسمیت شناخت و برای آن در دانشگاه الازهر، کرسی تدریس مستقل تشکیل داد. آیت‌الله‌العظمی بروجردی^{رحمه الله} بر این باور بودند که سامان بخشیدن به موضوع «وحدت میان مذاهب»، از وظایف حیاتی هر عالم شیعی است و باید در تحقق آن کوشید. حتی معروف است که در روزهای آخر عمر پر برکت خویش، گاهی به‌حالت اغما می‌رفت و چون از آن حال خارج می‌شد، درباره این موضوع می‌پرسید: «آقای شیخ محمدتقی به مصر رفت یا خیر؟»

شیخ محمدتقی قمی نماینده ایشان در جامع الازهر و مجمع تقربیب در مصر بود و در آن ایام چند روزی به ایران آمده و در قم به‌سر می‌برد.

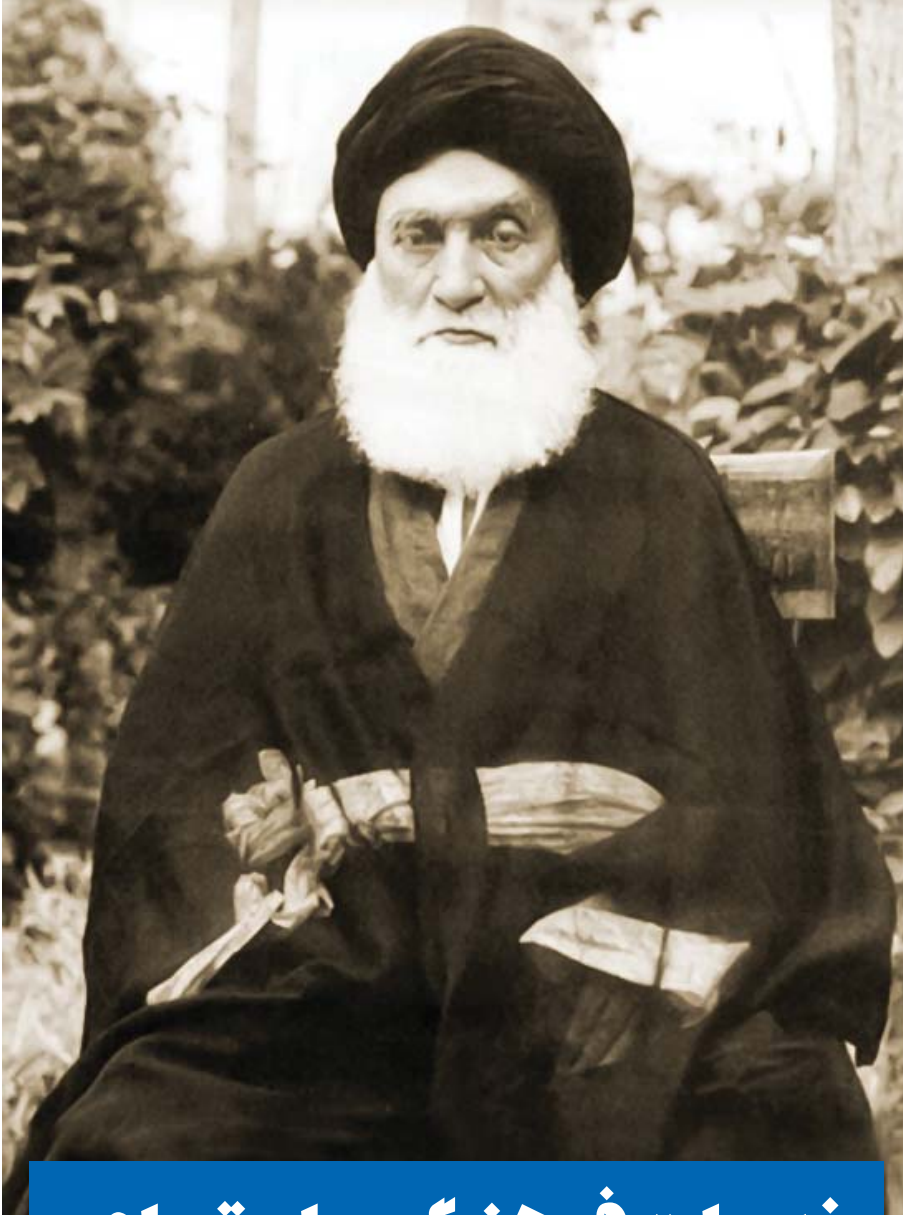
● **تلاش برای وحدت جهان اسلام**

آیت‌الله بروجردی^{رحمه الله} در دوره‌ای رهبری جامعه اسلامی را به عهدۀ گرفت که جنگ فرقه‌ها، شکافی عمیق بین فرقه‌ها به‌ویژه شیعه و سنی ایجاد کرده بود. آیت‌الله بروجردی، عامل وحدت را در آشنایی و نزدیک ساختن این فرقه‌ها با یکدیگر می‌دانست. او برای رساندن این پیام به جامعه سنی، با دارالتقربیب پیوند خورد. احادیث و کتاب‌های الفت‌آفرین شیعه را که نشانه تفکر شیعه بود، برای مطالعه و نشر، به عالمان آن جامعه عرضه داشت. پیام‌های شفاهی و کتبی به‌عنوان جامعه شیعه از سوی ایشان ارسال شد و مواضع شیعه را در مسائل گوناگون بیان کرد. این هم‌گامی و هم‌سوپی، از طرف بزرگ‌ترین مرجع تقلید شیعه، افزون بر اینکه عرصه را بر اختلاف تنگ کرد و دست‌های تفرقه‌برانگیز استعمار را برید، سبب شد، مذهب شیعه که تا آن روز در میان دیگر مذاهب پایگاهی نداشت و از هر سو رد می‌شد، جایگاه و پایگاهی را که سزاوارش بود، بازیابد و به غربت و انزوی مذهب شکوهمند شیعه پایان داده شود.

مذهب شیعه به‌عنوان یکی از مذاهب بزرگ اسلامی، در دانشگاه «الازهر مصر»، کرسی تدریس یافت. غبار از چهره حدیث «تقلین» زدوده شد و پا را از محدوده شیعه فراتر نهاد. مهم‌ترین کتاب‌های تفسیری، روایی و فقهی شیعه، در سرزمین مصر در جایگاه مطالعه و تحقیق و تتبع قرار گرفت و به زیور طبع آراسته شد. آیت‌الله بروجردی، قهرمانانه س‌دها را یکی پس از دیگری شکست و فرهنگ شیعه را از حصار آهنین که خودی و بیگانه بر گردش استوار ساخته بودند، رهانید و شیعه را به‌عنوان مذهبی منطقی و دارای روش‌های دقیق علمی برای استخراج احکام از متن شریعت و عامل به حدیث شریف «تقلین» که همه فرقه‌ها بر آن باور داشتند، در بزرگ‌ترین پایگاه علمی سنی آن روزگار؛ یعنی جامع الازهر مصر مطرح کرد. این تلاش گسترده و سترگ سبب شد، عالمان سنی درنگ کنند و این مذهب و بدنه اصلی آن را مطالعه کنند. هرچه بیشتر درنگ کردند، بیشتر شیفته شدند. فطرت پاک آنان در فتوای مفتی اعظم مصر، شیخ شلنتوت جلوه‌گر شد.(مجله حوزه، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۱۴)

● **دفاع از حرکت انقلابی حاج‌آقا حسین قمی^{رحمه الله}**

آیت‌الله سید محمدباقر سلطان‌ی طباطبایی؛ تابستانی بود که من به بروجرد رفته بودم. روزی سه نفر از روحانیون به بروجرد آمده بودند تا آیت‌الله بروجردی را به تهران ببرند. مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا حسین قمی در حضرت عبدالعظیم در باغ سراج‌الملک تقریباً محاصره بود. ایشان درخواست ۵ ماده‌ای به دولت کرده بود:



خدمات فرهنگی واجتماعی

در طول تاریخ اسلام همواره عالمان بصیر و خدومی بودند که برای مبارزه با خرافه‌زدایی و پویایی دین مبین اسلام و تجدید حیات دینی قیام نموده و از سوی دیگر سعی در احیای حیات سیاسی- اجتماعی مسلمانان داشته‌اند. یکی از احیابرگان معاصر ایران، آیت‌الله‌العظمی بروجردی^{رحمه الله} است که حیات سیاسی- اجتماعی‌اش، مشحون از خدمات فراوانی است که در این یادداشت مختصر، به برخی موارد اشاره می‌گردد.

- آزاد گذاردن زنان در حجاب و رفع ممانعت از حجاب‌داری؛
- لغو اجبار اتحاد شکل؛
- عمل به موقوفات، تعمیر بقاع مطهره و اصلاح وضعیت ارازاق عمومی؛
- منع فروش مشروبات الکلی؛
- تفکیک دختران و پسران در مدارس.

دولت زیربار این خواسته‌ها نمی‌رفت. این آقایان از قم آمده بودند که آیت‌الله بروجردی را برای کمک به آیت‌الله حاج‌آقا حسین قمی^{رحمه الله} به تهران ببرند.

آیت‌الله بروجردی با برخی از آقایان بروجردی^{رحمه الله} جلسه تشکیل دادند تا در این زمینه مشورت کنند. در پایان فرمودند: دو نظر هست: یکی اینکه خود من راهی تهران شوم و دیگر اینکه تلگرام کنم. بعد فرمود: اگر من به تهران رفتم و کار پیش نرفت، چه می‌شود؟ بهتر است پیش ازاینکه آخرین شیوه را عمل کنیم، نخست تلگرافی بزنم و زمینه را بسنجم. ایشان تلگراف زدند و اتفاقاً اثر گذاشت؛ یعنی در هیأت دولت گفته بودند که اگر آیت‌الله بروجردی به تهران بیاید، وضع لرستان به هم خواهد خورد. بهتر است هرچه زودتر موافقت شود؛ لذا با خواسته‌های آیت‌الله حاج آقا حسین قمی موافقت شد و هیأت دولت ۵ ماده را تصویب کرد.

● **رددیدار باپاپ**

آیت‌الله شیخ علی‌پناه اشتهااردی؛ روزی حقیر با یکی از رفقا اول صبح (که طبق قرار باید صبح اول وقت به محضر آیت‌الله بروجردی می‌رفتیم تا در رابطه با کتابی که به دستور ایشان عده‌ای مسئول آن بودند، مطالبی را امال

■ www.ofoghhawzah.com

از ترتیب ملاقات با پاپ چون باعث جلب توجه مردم به ایشان است، استقبال خواهند کرد.

● **الزامی کردن درس تعلیمات دینی**

آیت‌الله مطهری^{رحمه الله} درباره خدمات فرهنگی آیت‌الله بروجردی چنین بیان می‌دارد: «یکی از مزایای برجسته آقای بروجردی^{رحمه الله} که نمایان‌گر طرز تفکر روشن وی بود، علاقه‌مندی ایشان به تأسیس دبستان‌ها و دبیرستان‌های جدید تحت نظر سرپرستان متدین بود که دانش‌آموزان را هم علم بیاموزند و هم دین. معظم‌له دیانت مردم را در بی‌خبری و بی‌اطلاعی و بی‌سوادی آنها جست‌وجو نمی‌کرد. معتقد بود که اگر مردم عالم شوند و دین هم به‌طور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین و بنده آن مقداری که اطلاع دارم، مبالغ زیادی از وجوہات شرعی را اجازه دادند که صرف تأسیس بعضی از دبستان‌ها و دبیرستان‌ها شود.»۱۸
حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی درباره افروند درس تعلیمات دینی در دروس ابتدایی گفته است:

«در اواخر سال ۱۳۲۵ هجری شمسی، مرحوم آیت‌الله بروجردی به من پیغام دادند که شاه را ملاقات کنم و بگویم همان‌طور که در روزنامه‌ها نوشته‌اند، چون زمینه اجرایی لایحه اجباری کردن دوره ابتدایی فراهم شده است، تعلیم دینی را هم در کنار تعلیمات ابتدایی بگنجانند، نه اینکه فقط خواندن و نوشتن منظور بشود. من نیز در طی ملاقاتی که با شاه داشتم، گفتم: آقای (آیت‌الله) بروجردی پیغام داده‌اند که در روزنامه خوانده‌اند، لایحه دوره ابتدایی به‌صورت اجباری را می‌خواهند اجرا کنند. لذا به وزیر فرهنگ دستور داده شود که در برنامه آن، درس تعلیمات دینی هم گنجانده شود؛ چون آقای بروجردی خیلی مقید هستند که تمام دانش‌آموزان به‌موازات دروسی که می‌خوانند، درس دینی نیز خوانده شود. شاه هم ضمن موافقت با نظر آیت‌الله بروجردی، گفت: به دکتر شایگان (وزیر فرهنگ وقت) می‌گویم که این را هم اضافه کند. به هر حال مدتی بعد از این ملاقات، دکتر شایگان نامه‌ای به من نوشت که نظر آیت‌الله بروجردی در امر تعلیمات دینی تأمین خواهد شد.» (الگوی زمامت، ص ۱۲۶)

● **مسجدی که آیت‌الله بروجردی مانع تخریب‌شد**

حجت‌الاسلام والنسلمین فلسفی: مسجد ارک امروز که در میدان ۱۵ خرداد و مقابل محوطه کاخ گلستان واقع شده، در محل مسجد مادرشاه که دربار قاجاریه برای خانم‌های بیت سلطنتی ساخته بود، بنا گردیده است. به آیت‌الله بروجردی اطلاع داده بودند که عوامل دولت می‌خواهند، مسجد مادرشاه را خراب کنند و زمین آن را ضمیمه ساختمان جدیدالاحداث دولتی نمایند. ایشان برای جلوگیری از تخریب، به دولت وقت پیغام دادند: ولی موثر واقع نشد تا بالاخره موضوع به شاه گفته شد. او نیز به دولت وقت دستور داد که تخریب مسجد متوقف شود و آن مکان در اختیار آیت‌الله بروجردی قرار گیرد تا دوباره ساخته شود.

چون زمین مسجد متعلق به دولت بود؛ لذا هیأت دولت تصویب کرد که ابتدا مسجد را در اختیار اوقاف قرار دهد و بعد از آن، طی نامه‌ای آن را در اختیار معظم‌له به‌عنوان حاکم شرع و مرجع عصر قرار دهد. ولی بعد متوجه شدیم که مسجد به خیابان راه ندارد؛ لذا با دکتر اقبال که در آن زمان وزیر کشور بود، موضوع را مطرح کردم. قرار شد، در این مورد نیز تصمیم بگیرند. بالاخره دولت موافقت کرد که مسجد به خیابان راه پیدا کند و در آن به خیابان باز شود.

بعد مرحوم حاج محمودآقا کاشانی (فرزند مرحوم حاج محمدحسین کاشانی) خدمت آیت‌الله بروجردی رفت و گفت: حاضرین این مسجد را شخصاً بسازم و سپس با موافقت ایشان، مسجد ارک را به‌شکل فعلی احداث نمود.

بالاخره ساختمان مسجد با پافشاری مرحوم آیت‌الله بروجردی شروع گردید و چند سال طول کشید تا ساخته شد.»

● **رد ملاقات شاه سعودی به احترام حضرت معصومه^{علیها السلام}**

حضرت آیت‌الله حاج شیخ علی صافی گلپایگانی^{رحمه الله} در این‌باره می‌گوید: شاه عربستان به ایران آمد و برای آیت‌الله بروجردی هدایایی فرستاد. ایشان جز قرآن‌ها و مقداری از بزره کعبه مایقی را رد کردند. در ضمن درخواست ملاقات با ایشان را کرد؛ ولی آیت‌الله بروجردی پاسخ رد دادند. درباره علت این امر فرمودند: این شخص اگر قم بیاید و زیارت حضرت معصومه^{علیها السلام} نرود، توهین به آن حضرت خواهد بود و من چنین امری را به هیچ‌وجه تحمل نمی‌کنم.

● **مبارزه باآتش‌پرستی**

آیت‌الله سیدحسین بدلا در این‌باره می‌گوید: روزی نامه‌ای از آذربایجان برای آیت‌الله بروجردی فرستاده بودند که لشکر آذربایجان می‌خواهد، امسال برای مراسم چهارشنبه‌سوری روی دوتا‌کوه آتشکده درست کند و بعد از برافروختن آتش نظامیان بیایند و به آتش احترام کنند. این نامه آیت‌الله بروجردی را به‌شدت عصبانی کرد؛ لذا نامه‌ای محرمانه با دست خط خودشان برای شخص شاه می‌نویسند: عده‌ای را روانه تهران می‌کنند که دسته جمعی این نامه را بدهند تا اگر شاه توضیح خواست، آن جمع برایش توضیح بدهند. محتوای نامه بعداً که یکی از همان افراد برام نقل کرد، چنین بود: ما به شما می‌نویسیم، پادشاه اسلامی، پادشاه اسلام‌پناه! اگر بنا باشد، پادشاه به آتش‌پرستی بگراید، همان مبارزه‌ای که در صدر اسلام با آتش‌پرستان بود، اکنون نیز شروع خواهد شد. شاه پس از خواندن نامه گفته بود، آن مراسم را متوقف کنند.

● **ویژه‌نامه مرجعیت و اسوه خدمت**

مبلغان اعزامی از طرف

آیت‌الله‌العظمی بروجردی^{رحمۃ‌الله‌علیه} به نقاط مختلف جهان

استاد مطهری^{رحمه الله} در این‌باره می‌گوید: «از گام‌های برجسته‌ای که در زمان آیت‌الله بروجردی و به‌وسیله ایشان برداشته شد، اعزام مبلغ و نماینده مذهبی به کشورهای خارجی بود. آقای بروجردی^{رحمه الله} که علاوه بر جنبه فقهات، مطالعاتی در متن اسلام و معتقدات اسلامی داشت و اسلام را خیلی بی‌پریاه و عریان از توهمات عوامانه پذیرفته بود و از طرفی برخلاف گذشتگان از تاریخ قرون جدید و اوضاع عصر حاضر تا حدود نسبتاً خوبی آگاه بود. او معتقد بود که اگر حقایق فطری اسلامی بر افکار حقیقت‌جو، کاوشگر و کم‌تعصب اروپایی عرضه داشته شود، این دین حنیف را تدریجاً خواهند پذیرفت و روی همین جهت، به آلمان و آمریکا نماینده اعزام کرد و در تدارک اعزام نماینده به لندن و بعضی از نقاط دیگر بود که اجل او فرا رسید.» (تکامل اجتماعی انسان، ص ۲۵)

لذا این زعیم روشن‌ضمیر، برای ترویج و پایداری دین اسلام علاوه بر تبلیغ در داخل کشور، به نشر معارف بلند و تابناک شیعه در خارج از کشور نیز، اهمیتی فوق‌العاده می‌داد و نمایندگانی را به اقصی‌نقاط دنیا روانه می‌کرد که به اسامی برخی از آنان در ادامه اشاره می‌گردد:

- شیخ ابوالقاسم محمدی گلپایگانی به آلمان؛
- شیخ محمد محقق‌الهیجانی آلمان(هامبورگ)؛
- شیخ محمدتقی قمی به قاهره مصر(دانشگاه الازهر)؛
- سید نورالدین طاهری به آفریقا؛
- سید محمدتقی طالقانی مکه – مدینه؛
- سیداحمد لولاسانی مکه – مدینه؛
- شیخ عبدالحسین فقیهی رشتی نماینده معظم‌له درامور حج و رسیدگی به امور شیعیان عربستان؛
- شهید محراب حاج شیخ محمد صدوقی یزدی به یزد؛
- شهید محراب حاج شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی به کرمانشاه؛

- شیخ مهدی حائری یزدی به واشنگتن آمریکا؛
- سیدفخرالدین افقهی سبزواری به کشورهای مختلف اروپایی؛
- سیدمهدی یثربی کاشانی به کاشان؛
- سید محمدباقر اطیحی اصفهانی به اقلید، آبادۀ استان فارس؛
- سید محمدصادق آل‌محمد به اهر آذربایجان شرقی؛
- شیخ عبدالکامربابن املشی به املش گیلان؛
- شیخ مهدی لاکانی رشتی به رشت؛
- شیخ حسنعلی رحمانی به بیجار کردستان؛
- سیداسماعیل مرعشی به اهواز؛
- شیخ غلامحسین شرعی شیرازی به داراب شیراز؛
- شیخ محمود شهبانی – نماینده ویژه معظم‌له به کنفرانس بیت‌المقدس؛

- شیخ احمد احمدی شاهرودی به آبادۀ شیراز؛
- حاج سیدجلیل زرآبادی قزوینی به آستانه اشرفیه؛
- حاج شیخ علی اکبراللهیان رامسر، به رامسر، تنکابن، آستانه اشرفیه؛
- حاج شیخ هاشم تقدیری سبزواری به دهاقان کاشان؛
- حسینعلی منتظری نجف‌آبادی به شهریار، نجف‌آباد؛
- سیدمحمد علم‌الهدی به تهران؛
- سید محمدصادق موسوی به جالوس؛
- شیخ محمدابراهیم رضایی لنگرودی به نوشهر؛
- حاج‌آقا روح‌الله کمالوند به خرم‌آباد؛
۳۰. شیخ محمود مرعشی شوشتری به کشورهای آفریقا، زنگبار، دارالسلام و…؛

- شیخ موسی الهی لاهیجانی به لنگرود؛
- شیخ‌علی محمد موحدی قمی به مسجدسلیمان خوزستان؛
- شیخ احمد محصل یزدی به ایرانشهر مرکز بلوچستان؛
۳۴. سیدصدرالدین صدر بلاغی – انگلستان به‌صورت سیار به کشورهای اروپایی؛
- شیخ محمد شریعت‌زاده اصفهانی به پاکستان – کراچی؛
- سید محمدحسین ناشرالاسلام شوشتری به سودان؛
- میرزاحمود حسنی شتربانی به تبریز؛
- ابوطالب پیشوایی به بندرانزلی گیلان؛
- سیدجلیل موسوی طسوجی به خوی آذربایجان غربی؛
- سیدعلی شبر به کویت؛
- سید زین العابدین کاشانی به کویت؛
- شیخ محمدحسین اردبیلی به گنبد کاووس؛
- سیدعلی بهشتی بروجردی به اسلام‌آباد غرب؛
- شیخ محمدصادق نعیمی قمی به نویسران؛
- سیداحمد مشرف قمی به درود لرستان؛
- سیدابوطالب مدرسی یزدی به تهران؛
- سید عبدالعلی آیت‌اللهی به لازستان فارس؛
- شیخ علی افتخاری گلپایگانی به استان فارس؛
- سیدمحمود طالقانی به‌همراه هیئتی به پاکستان؛
۵۰. شیخ عزیرالله خسروی زنجان – تکاب آذربایجان غربی؛
- سید عبدالوهاب بتولی رشتی به تهران؛
۵۲. شیخ محمدتقی موراوید به ایلام؛
۵۳. امام موسی صدر به لبنان؛
- سیدمصطفی امام‌زاده به آفریقا؛
- سید جمال‌الدین حائری‌زاده گلپایگانی به اندونزی؛
- سیداحمد خوانساری به تهران؛
- شیخ علی محمد نجفی به بروجرد؛
- سیدمحمد ورامینی به نورآباد؛
- شیخ محمد واصف به بوئین و میاندشت اصفهان؛
۶۰. میرزا عبدالحمید شربانی تبریزی به تهران؛